









مجموعه

۱- اشعار در مراثی آل محمد (ص)

۲- رساله در جبر و تفویض و ...

شماره: ۲۲۳۷، ۱۷۵ برگ

بسم الله الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الا إن ربع البلاء صعود
وكل حبيب كان فيه فقيد
فليس به ليلى وقيس ووامق
وعذراء ولا هند ولبيد حميد
وسكان وحش الفلاة وطيره
وغيلان اكناف القفار وفود
فلا الدار تلك الدار لا واهل اهلها
كان لم يكن للحي فيه عهود
فاين اخلائي واين خيامهم
واين محط دورهم وحشود
خلت دورهم منهم واقوت محالهم
وساقهم نحو الفناء عصود
فهم في بطون الارض رمت عظامهم
وضمهم نحو القصور لحود
فلا قطان من بعدهم ترى ديارهم
لانهم تحت التراب رقود

الى اصولها

بسم الله الرحمن الرحیم در تحقیق

در بیان جبر و تفویض و این مسئله‌ایست بسیار بسیار مشکل و اهل راز
علما نتوانسته‌اند حل آن نمایند تا زمان شیخ مرحوم اعلی الله مقامه و آن
بزرگوار حل این مسئله را نموده‌اند و بعد هم کسی که از ذات ایشان تعلیم خاص
تعلیم گرفته باشد فهمیده و الله نفهمیده است و نخواهد فهمید بدانکه معنی
جبر یعنی زور است و معنی تفویض واگذار داشتن و مقصود آن است
که خدا بزور کسی را خوب و بد نکرده است و امر کسی را هم بخود او
واگذاشته است و این مسئله اینقدر مشکل است که از هزار حکیم یکی
بحقیقت آن نمیرسد در این ورطه کشتی فرو شده هزار که پیدا
نشد تخته بر کنار و از هر این مسئله که چاره بیان است یکی آنکه حقیقت
این را نفهمی و بدانی که چگونه است و یکی آنکه یقین کنی که خلقت بزور است که نه زور
و امر هم مخلوقات واگذار نشده است بلکه یک طوری است که یقین کنی که
است و نه واگذار و لا کیفیت این را خواهی نفهمی مثل اینکه یقین کنی که
هندوستان شهری دارد اما چه شکل است و چه طور است ندانی و همین
قدر در تکلیف و درست کردن اعتقاد بس است اگرچه طور این را ندانی
~~و همین قدر در تکلیف و درست کردن اعتقاد بس است اگرچه طور~~
~~این را نفهمی و ندانی~~ و باز مثل آن است که یقین داری که پلو پخته می‌شود و نمی‌توان
بخت پلو سوال کرد که چه طور پختن این را ندانی اما حالا که دلیل آوردیم برای آن
~~تا یقین کنی که خلقت خدا بزور نیست که پلو بتوان پخت~~
بطوری که یقین کنی بعد کیفیت پختن این را ما تو نه بدهیم نمایم تو
از اصل اعتقاد آنکه پلو پخته نشیف بر گردی و ایم چنین ما در این دلیل

بیاوریم برای تو تا یقین کنی که خلقت خدا بزور نیست که خدا بزور و جبر کسی را
خوب و کسی را بد نکرده و واگذار هم نکرده به بندگان خود که هر کس
بخواهد خوب شود خودش خوب بشود و هر کس بخواهد بد شود خودش
بد شود دیگر خواهش خدا در میان نباشد و لکن نگوئیم که حالا نه این است و نه
آن چه طور است و تو نفهمی چه طور است بنا بر این یقین کنی که نه این است
و نه آن برگردیم چنانکه گفتیم پس هوش خود را جمع کن که این مسئله بسیار
مشکل است و امیدوارم بحول و قوه خدا این طور آسان بیان نمایم برای
تو بنویسم پس بدان اولا که شکی نیست در اینکه پیغمبران از جانب
خدا آمده‌اند چنانکه پیش گذشت و بعد از این هم خواهد آمد و شکی نیست
که پیغمبران مردم را بسوی خدا خوانده‌اند و حکمهای خدا را به بندگان رسانیده‌اند
و گفته‌اند که هر کس اطاعت کند خدا او را به بهشت خواهد برد و نعمت
جاوید باو عطا خواهد کرد و هر کس اطاعت نکند خدا او را بجهنم
خواهد برد و عذاب جاوید پاینده باو خواهد کرد و شکی نیست
که انبیا راست گو بوده‌اند و دروغ نگفته‌اند و مردم را گول نزده‌اند بلکه چه
بسیار نعمتها را در همین دار دنیا از برای اطاعت کنندگان مهیا کرده‌اند و چه
بسیار از غضبهای خدا را در همین دنیا از برای سرکشان نازل کرده و چه بسیار
اقوام را هلاک شدند بواسطه سرکشی مثل قوم نوح و هود و صالح و شعیب
و امثال اینها پس جمعی را بغضب گرفتار کردند و جمعی را از بلاها و محنتها نجات
قوم دادند مثل قوم یونس و قوم موسی در اول امر و همچنین بسیار قحطیها و غلاها و بلاها
که بواسطه اینها برطرف شد پس این پیش چشمها بوده انکار بردار نیست

استسقاء

قضى ما فاته في الحالة التي ذكره ج صلوة الاستسقاء
ركعتان مثل صلوة العيدين وقد مرت يخرج الامام
ويبرز الى مكان نظيف في البراري في سكينة ووقار
وخشوع ومسكنة ويبرز معه الناس فيحمد الله
ويمجده ويثني عليه ويجتهد في الدعاء ويكثر من
التسبيح والتهليل والتكبير ويصلي مثل صلوة العيدين
ركعتين بغير اذان ولا اقامة ويجهر بالقرائة في
دعاء ومسئلة واجتهاد فاذا سلم الامام صعد المنبر
وقلب ثوبه وجعل الجانب الذي على المنكب الايمن
على الايسر والذي على الايسر على الايمن فيكبر الله
مائة تكبيرة مستقبل القبلة رافعا بها صوته ثم
يلتفت الى الناس عن يمينه فيسبح الله مائة
تسبيحة رافعا بها صوته ثم يلتفت الى الناس عن
يساره فيهلل الله مائة تهليلة رافعا بها صوته
ثم يستقبل الناس فيحمد الله مائة تحميدة ثم يرفع
يديه فيدعو ثم يدعون ويخطب ثم يخرج الامام
يوم الاثنين بعد ان صام السبت والاحد و
الاثنين وامر الناس ان يصوموها ويخرج المنبر
ويمشي كما يمشي يوم العيدين وبين يديه المؤذنون
في ايديهم عنزهم د صلوة الاستخارة وهي كثيرة منها
انك تاخذ ست رقاع وتكتب فيها بسم الله الرحمن
الرحيم خيرة من الله العزيز الحكيم لفلان بن فلانة

وتكتب في ثلثة افعل وفي ثلثة لا تفعل ثم ضعها
تحت مصلاك ثم صل ركعتين فاذا فرغت فاسجد
سجدة وقل فيها مائة مرة استخير الله برحمته خيرة
في عافية ثم استو جالسا وقل اللهم خر لي واختر
لي في جميع اموري في يسر منك وعافية ثم
اضرب بيدك الى الرقاع فشوشها واخرج واحدة
واحدة حتى يخرج ثلث من جنس واحد فاعمل
به ومنها انك تنوي حاجتك ثم تكتب في رقعتين
في واحدة لا وفي واحدة نعم ثم تجعلها في بندقتين
من طين ثم صل ركعتين ثم اجعلها تحت ذيلك
وقل يا الله اني اشاورك في امري هذا وانت
خير مستشار ومشير فاشر علي بما فيه صلاح وحسن
عافية ثم اخرج واحدة واعمل بمقتضاها والصلوة
الغير الموقتة كثيرة اكتفينا بهذه تبركا ولئلا يخلو
كتابنا منها وهذا اخر كتاب الصلوة وقد تم في
سادس شهر محرم الحرام من شهور سنة احدى وستين
بعد المائتين والالف حامدا مصليا مستغفرا مستقيلا

قد فرغ من تسويده في ليلة السبت
سادس شهر ذي حجة الحرام من
سنة ١٢٦١